



۲۰۱۹/۰۱/۳۰



فردوس

اختلاف های غنی و خلیل زاد

به نظر می آید که اختلاف های محمد اشرف غنی و گروهی از دیپلمات های ایالات متحده که برای پایان جنگ افغانستان کار می کنند، بسیار جدی است. پیش از این اختلاف ها زیاد مشهود نبود، اما حال تفاوت نظر دو طرف آشکار شده است. اختلاف نظر محمد اشرف غنی رییس جمهور با دیپلمات های امریکایی متصدی مذاکره برای ختم جنگ افغانستان در سخنرانی دیروز رییس جمهور غنی بازتاب یافته بود. رییس جمهور غنی بسیار به وضوح گفت که سازمان ملل متحد برای داکتر نجیب تضمین داده بود که جنگ به پایان می رسد، ولی فاجعه رخ داد و جنگ به یک نحو دیگر ادامه یافت. تاکید اشرف غنی بر تدبیر به جای عجله در دیپلوماسی برای پایان جنگ نیز نشان دهنده اختلاف های جدی ایالات متحده آمریکا با ارگ است.

واقعیت این است که ایالات متحده بر دیالوگ بین الافغانی تاکید دارد. دیالوگ بین الافغانی لزوماً به معنای مذاکره طالبان با دولت افغانستان نیست. ایالات متحده آمریکا می خواهد که طالبان با دولت افغانستان روی میز مذاکره بنشینند و روی آینده سیاسی افغانستان به توافق برسند. اما طالبان نمی خواهند با حکومت افغانستان گفت و گو کنند. طالبان در لفظ می گویند که خواستار مذاکره با نیروهای سیاسی افغانستان در مورد آینده سیاسی افغانستان هستند. سخنگویان غیر رسمی طالبان هم می گویند که رهبران این گروه درک میکنند که امارت طالبی تجربه موفقی نبود و باید در آینده سیاسی افغانستان همه گروه ها به شمول گروه طالبان نقش داشته باشند و روی یک نظم سیاسی و قانونی جدید به توافق برسند. نمایندگان طالبان در نشست مسکو هم به وضوح گفتند که میخواهند در مورد آینده سیاسی افغانستان با احزاب و نیروهای سیاسی گفت و گو کنند. طالبان در نشست های پگواش هم گفته بودند که طرفدار طرحی هستند که بر اساس آن یک اداره انتقالی بیاید که در آن، همه گروه ها به شمول خودشان سهم داشته باشند و بعد، این اداره زمینه گذار افغانستان به نظم جدید سیاسی را فراهم سازد. از آنجایی که ایالات متحده برای پایان جنگ افغانستان عجله دارد، زیاد با طرح طالبان مخالف نیست. ایالات متحده ظاهراً مایل است که طالبان با تمام نیروهای سیاسی افغانستان به شمول حکومت گفت و گو کنند، حتی اگر حکومت در این گفت و گوها در نقش یک گروه تنزیل کند. شاید به همین دلیل است که ایالات متحده و داکتر زلمی خلیل زاد از همیشه از اصطلاح دیالوگ بین الافغانی استفاده می کنند.

اما از سخنان محمد اشرف غنی برمی آید که او نمی خواهد دیالوگ بین الافغانی شکل بگیرد و حکومت هم همراه با دیگر گروه های سیاسی به عنوان یک گروه در مذاکره شرکت کند. رهبران حکومت وحدت ملی از جمله رییس جمهور غنی می خواهند که طالبان به عنوان یک نیروی سیاسی با حکومت افغانستان به عنوان یک دولت مذاکره کند. این چیزی است که طالبان نمی خواهند و ایالات متحده هم شاید به این نتیجه رسیده باشد که نمی تواند طالبان

را به چنین چیزی وادار سازد. از آن جایی که ایالات متحده برای پایان جنگ افغانستان عجله دارد، شاید بی میل نباشد که همین الگوی دیالوگ بین‌افغانی عملی شود. اشرف غنی در روز نام‌نویسی اش به عنوان نامزد ریاست جمهوری اعلام کرد که اداره موقت را حداکثر تا صد سال دیگر هم نمی‌پذیرد. طالبان هم پیوسته اعلام می‌کنند که با دولت افغانستان مذاکره نمی‌کنند. دیپلمات‌های امریکایی می‌خواهند که مواضع دوطرف را به همدیگر نزدیک کنند. اما از سخنان اخیر محمد اشرف غنی برمی‌آید که هنوز اختلاف‌های ارگ و دیپلمات‌های امریکایی به رهبری زلمی خلیل‌زاد حل نشده است. نقشه راهی که رییس‌جمهور غنی در نشست ژنیو پیشکش کرد، اگر تطبیق شود در واقع پنج سال را در بر می‌گیرد و از مواضع مقام‌های امریکایی معلوم می‌شود که آنها حوصله عملی شدن این نقشه راه را ندارند. دیپلمات‌های امریکایی که برای پایان جنگ افغانستان مذاکره می‌کنند، در پی طرحی اند که زود نتیجه بدهد. در این تردیدی نیست که محمد اشرف غنی به عنوان رییس‌جمهور افغانستان یک سری نگرانی‌های جدی در مورد کشور دارد. او گفت تجربه تلاش‌های سیاسی سازمان ملل متحد در زمان حکومت داکتر نجیب را مدنظر دارد و نمی‌خواهد که آن وضعیت تکرار شود. شاید دیپلمات‌های امریکایی به محمد اشرف غنی رییس‌جمهور گفته باشند که اگر به طرح دیالوگ بین‌افغانی تن بدهد امریکا و جامعه جهانی پایان جنگ و تامین صلح را تضمین می‌کنند. تن دادن به یک دیالوگ بین‌افغانی و مذاکره روی یک نظم سیاسی جدید، مستلزم شکل‌گیری یک حکومت عبوری/ انتقالی است. اگر چنین چیزی عملی شود، آقای غنی ریاست جمهوری‌اش را از دست می‌دهد. آقای غنی شاید به این باور باشد که در صورت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری احتمال برنده شدنش زیاد است، اما اگر آنچه که دیالوگ بین‌افغانی خوانده می‌شود، عملی شود، نقش خود را در سیاست افغانستان از دست می‌دهد.

در زمان حکومت داکتر نجیب هم، قضیه تقریباً همین طوری بود. بر مبنای برنامه ملل متحد، نجیب باید قدرت را به یک اداره انتقالی غیر جانب‌دار می‌سپرد، تا آن اداره، زمینه‌گذار افغانستان به یک نظم سیاسی نو را فراهم می‌ساخت. در آن زمان ظاهراً سازمان ملل متحد به داکتر نجیب وعده داده بود که حتماً با تطبیق این الگو، صلح تامین می‌شود. سازمان ملل متحد جان نجیب را هم تضمین کرده بود، اما در پایان کار نه داکتر نجیب توانست افغانستان را ترک کند و نه جنگ به پایان رسید. در حال حاضر جای سازمان ملل متحد را ایالات متحده گرفته است. روشن است که ایالات متحده قوی‌تر از سازمان ملل متحد است، اما به نظر می‌رسد که اشرف غنی هم نگران قدرت خودش است و هم نگرانی‌های دیگر دارد. شاید او هنوز مطمئن نیست که طرح دیالوگ بین‌افغانی نتیجه بدهد.

اما کل صنف سیاسی کابل با اشرف غنی نیستند. چندی پیش حنیف اتمر مشاور پیشین امنیت ملی ارگ با انتشار اعلامیه‌ای از مواضع ارگ انتقاد کرد. اتمر در اعلامیه اش آورده بود که حکومت از تلاش‌های زلمی خلیل‌زاد آن طوری که باید استقبال نمی‌کند. جاوید لودین معین پیشین وزارت امور خارجه که حالا با آقای اتمر است هم در توئیترش از تلاش‌های آقای خلیل‌زاد و اصل دیالوگ بین‌افغانی استقبال کرده بود، به نظر می‌رسد که متحدان سیاسی غیر پشتون آقای اتمر هم با طرح دیالوگ بین‌افغانی مشکلی نداشته باشند. مواضع سیاسی داکتر عبدالله عبدالله تا هنوز به درستی واضح نشده است. برخی از متحدان او از جمله صلاح‌الدین ربانی هم شاید با طرح دیالوگ بین‌افغانی مخالفت جدی نداشته باشند. این‌ها نشان می‌دهد که ارگ نتوانسته است روی موضع خود، اجماع سیاسی ایجاد کند.

صنف سیاسی کابل تا هنوز در هیچ موردی از جمله در مورد الگوی پایان جنگ به توافق نرسیده‌اند. روشن است که نبود اجماع در میان صنف سیاسی کابل به سود افغانستان نیست.

Aao_ekhtelafhay_ghani_khalilzad.pdf

